ئالیسم

ی کند؟

در اوکراین و خاورمیانه. رویکرد دولت ترامپ چند پیروزی اولیه را به‌همراه داشت؛ کمک به دستیابی به یک توافق آتش‌بس مورد انتظار هرچند غیردائمی در جنگ ادامه‌دار اسرائیل و حماس فقط یک روز قبل از روی کار آمدن ترامپ، افزایش نظارت بیشتر بر مهاجرت و قاچاق مواد مخدر در مرزهای مکزیک و کانادا و فروش منافع چین در بنادر اطراف کانال پاناما.

یکی از مبنای اصلی رئالیسم این است که کشورها پیش از هر چیز به امنیت خود نگاه می‌کنند و تلاش می‌کنند قدرت را مقابل کشورهای رقیب خود یا کشورهایی که تهدید محسوب می‌شوند متوازن کنند. مدت‌ها پیش از روی کار آمدن دولت دوم ترامپ، تعدادی از دشمنان آمریکا، اول چین بعد روسیه، ایران و کره شمالی همانگونه که رئالیسم نشان می‌دهد تلاش می‌کردند با قدرت واشنگتن مقابله کنند.

مسئله امروز این است که آیا رئالیسم سیاست خارجی جدید آمریکا، شاید حتی از سوی متحدان و شرکای سنتی واشنگتن که تاکنون آمریکا را نیرویی می‌دیدند که در صحن جهانی اگر مثبت نباشد، بی‌خطر است و حالا باید بدون کمک آمریکا از خود دفاع کند، می‌تواند به توازن رفتار منجر شود یا نه.

این ممکن است یک نکته مثبت واقعی برای برخی از رئالیست‌ها باشد که مدت‌ها بود از سیاست خارجی محدودتر ایالات متحده حمایت می‌کردند. اما اگر این کشورها از خودمختاری جدید خود برای دنبال کردن اهدافی استفاده کنند که با منافع آمریکا مغایر است سپس نتیجه‌ای کاملاً منفی را در پی خواهد داشت. با این حال مسئله اصلی این است که آیا این آزمایش در رئالیسم جهانی آمریکا را در آن قوی‌تر، مرفه‌تر و امن‌تر می‌کند؟ اینجاست که حتی برخی از رئالیست‌ها هم شک و تردید دارند. در نهایت بدون گاردریل‌های نظم بین‌المللی، جهان به آنارشیسمی برمی‌گردد که توماس هابز، فیلسوف سیاسی قرن هفدهم انگلستان توصیف کرده بود و این جهان مکان جذابی برای زندگی نخواهد بود.

اگر تاریخ باستان را مرجع قرار دهیم ممکن است برای مدتی دیگر نتیجه روی آوردن به رئالیسم سرسختانه را نبینیم. در کوتاه‌مدت، سیاست زور به‌نفع آتنی‌ها بود. ملوس به زانو افتاده بود. توسیدید می‌گوید آتنی‌ها «تمام مردان بزرگسال را که می‌گرفتند، می‌کشتند و زنان و کودکان را به بردگی می‌فروختند و در نهایت ۵۰۰ مهاجر را فرستادند و خودشان در آن مکان ساکن شدند.» در درازمدت اما پاسخ آن مشخص نیست. بالاخره این اسپارت‌ها بودند که در جنگ پلوپونز پیروز شدند و آتن که زمانی قطب هنر، فرهنگ، تجارت و امپراتوری عظیم بود، هیچ‌وقت به شکوه سابق خود بازنگشت.

یک موضوع اما قطعی است: آزمایش بزرگ رئالیست‌ها اثری ماندگار بر شیوه آموزش روابط بین‌الملل برای نسل‌های آینده خواهد داشت.

رویداد

یک جهان اعتراض

بی‌توجهی به خواسته‌های مردمی و اقدامات ضددموکراتیک دولت‌ها منجر به جنبش‌های اعتراضی در سراسر جهان شده است

شنبه هفته گذشته ده‌ها هزار نفر مقابل بنای یادبود واشنگتن‌دی‌سی و دیگر شهرهای سراسر آمریکا در اعتراض به عملکرد دونالد ترامپ و مشاور ارشد او، ایلان ماسک برای قلع و قمع آژانس‌های دولتی، وضع تعرفه‌ها و آنچه معترضان «دور زدن روند قانونی» خواندند، به خیابان آمدند.

سازمان‌دهندگان این اعتراضات می‌گویند ۱۵۰ گروه در سراسر ۵۰ ایالت آمریکا دست‌کم ۱۳۰۰ تجمع «دستت رو بکش» را برنامه‌ریزی کردند. عکس‌ها و تصاویر ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی انبوهی از جمعیت را نشان دادند که از بوستون تا لس‌آنجلس در میدان‌های اصلی یا در خیابان‌های شهر راهپیمایی کردند.

معترضان لباس «مجسمه آزادی» به‌تن کردند، پرچم‌های حامل پیام‌های ضدترامپی را تکان دادند و حتی قلاده‌های «سگ‌ها مخالف دوج‌اند» را به گردن چهارپایان خود انداختند. زیر باران یخی در پراوینس، در ایالت رود آیلند، پلاکاردهایی برای تقبیح عملیات اخراج مهاجران به‌دست گرفتند. زیر آسمان آفتابی آتلانتا، خانه «مرکز پیشگیری و کنترل بیماری» کاهش بودجه بهداشت عمومی را محکوم کردند و در ساحلی در سانفرانسیسکو، بنرهایی را روی دوش خود انداختند تا پیامی را برای رئیس‌جمهور بفرستند: «دست از سر دموکراسی بردار!»

سازمان‌دهندگان این اعتراضات انتظار داشتند دست‌کم ۲۰ هزار نفر شرکت کنند اما تخمین‌های روز شنبه نشان می‌دهد تعداد جمعیت حاضر در خیابان ۵ برابر آن بوده است. به‌گزارش واشنگتن‌پست، معترضان به بهانه‌های مختلفی جمع شده بودند: ناتو، مدارس، کتابخانه‌ها، دادگاه‌ها، خدمات بازنشستگان، انتخابات آزاد و به گفته سازمان‌دهندگان «شغل ما، کیف‌پول ما، بدن ما». معترضان علاوه بر اینکه می‌خواهند ترامپ به «حق سقط جنین» کاری نداشته باشد بلکه اهمیت بسیاری برای شرایط تامین اجتماعی، بهداشت، وضعیت کارمندان دولت، ارزش حقوق بازنشستگی، اقتصاد کلان آمریکا و بسیاری از موارد دیگر قائل‌اند.

خیزش سیاسی مردمی در سراسر جهان

اعتراضات خیابانی در سراسر جهان فقط به آمریکا محدود نیست. جزایر بالکان شامل بوسنی، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی و صربستان هم اخیراً شاهد خیزش‌های مردمی بوده‌اند. این اعتراضات حتی به اروپای شرقی و مرکزی از جمله گرجستان، مجارستان و اسلواکی نیز رسیده‌اند. یونان، اسرائیل، موزامبیک، کره جنوبی و ترکیه هم از این اعتراضات مصون نبوده‌اند. چه عواملی منجر به جهش اعتراضات سیاسی شده است؟ آیا این اعتراضات خبر خوب یا بدی برای دموکراسی در سراسر جهان محسوب می‌شود؟

دلیل عمده اعتراضات اخیر را می‌توان اقدامات غیردموکراتیک دولت‌ها دانست. در گرجستان و موزامبیک، دخالت در انتخابات سراسری، شهروندان را به خیابان‌ها کشاند. در گرجستان تصمیم دولت جدید برای تعلیق مذاکرات الحاق به اتحادیه اروپا خشم شهروندان را برانگیخت. در هر دو کشور، اعتراضات چندین ماه ادامه پیدا کرد.

در بقیه کشورها، اقدامات غیردموکراتیک دولت‌ها در موضوعاتی جدای از برگزاری انتخابات است. در مجارستان پس از آنکه پارلمان این کشور قانونی را در ۱۸ مارس تصویب کرد تا از دوربین‌های مداربسته تشخیص چهره که از چین تهیه شده برای شناسایی افرادی که در راهپیمایی‌های ممنوعه همجنس‌گرایان شرکت می‌کنند، استفاده شود، اعتراضات خیابانی شکل گرفتند. در اسرائیل مدت‌هاست که اعتراضات مردمی علیه تمرکز قدرت سیاسی بنیامین نتانیاهو به‌راه افتاده و دوباره پس از برکناری رونین بار، رئیس‌شین‌بت در ۱۶ مارس شدت گرفت. معترضان این اقدام نتانیاهو را گامی دیگر برای تکیه بر قدرت به هر قیمتی می‌بینند. معترضان اسرائیلی همچنین پس از آغاز دوباره کمپین نظامی اسرائیل علیه حماس در ۱۸ مارس به خیابان‌ها آمدند. اعلام حکومت نظامی از سوی یون سوک‌یول، رئیس‌جمهور کره جنوبی در ماه گذشته منجر به بسیج خیابانی شهروندان شد. از زمان لغو حکومت نظامی، اعتراضات برای استیضاح رئیس‌جمهور ادامه یافت که نشان‌دهنده خشم شهروندان در برابر اقدامات یون و نگرانی‌ها از وضعیت دموکراسی در کره جنوبی است. در ترکیه نیز پس از بازداشت احمد اوزر، شهردار منطقه اسن‌یورت استانبول و عضوی از حزب مخالف جمهوری‌خواه خلق یا CHP اعتراضات مردمی به‌راه افتاد. پس از بازداشت اکرم امام‌اوغلو، رقیب اصلی رجب‌طیب اردوغان اعتراضات گسترده‌تری شکل گرفت.

در صربستان پس از سقوط سقف ایستگاه قطار در ماه نوامبر، اعتراضات خیابانی در واکنش به فساد در دولت به اعتراضات گسترده و ادامه‌دار در حمایت از دموکراسی تبدیل شد که شیوه دولت‌داری الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور این کشور و حزب ترقی‌خواه صرب را به‌باد انتقاد می‌گرفت.

جنبش‌های مردمی دیگر، باوجود پس‌زمینه انگیزه‌های سیاسی، کمتر به رفتارهای غیردموکراتیک رژیم‌های حاکم مربوط بوده‌اند و عموماً از استیصال شدید نسبت به واکنش‌های ناکارآمد دولت در برابر بحران‌ها و عدم مسئولیت‌پذیری مسئولین دولتی بوده است. در بوسنی، مشکل عملکرد کُند دولت در واکنش به سیل ویرانگر بود. در یونان، عدم واکنش دولت به تصادف قطار. در مونته‌نگرو، مدیریت ضعیف در ماجرای تیراندازی دسته‌جمعی. در مقدونیه شمالی فساد حول نقض ایمنی که منجر به آتش‌سوزی فاجعه‌بار در یک کلوپ شبانه.

دسته دیگری از تظاهرات همچنین در حمایت از رهبران سیاسی یا مقاماتی که به اقدامات غیردموکراتیک متهم شده‌اند به‌راه افتاد که قابل توجه‌اند: در برزیل، اعتراضاتی در حمایت از ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور پیشین، به‌راه افتاد؛ در فیلیپین، در حمایت از رودریگو روآ دوتروته، رئیس‌جمهور این کشور به‌راه افتاد.

در کره جنوبی در حمایت از یون و در رومانی، در حمایت از کالین جرجسکو، نامزد راست‌گرای ریاست‌جمهوری.

برخی از ناظران سیاسی بالکان شاهد سرایت تظاهرات از صربستان به دیگر نقاط منطقه بوده‌اند. فراتر از کشورهای بالکان، تظاهرات متنوعی که در ظاهر از مشکلات داخلی برآمده‌اند، به‌راه افتادند.

رشد قابل‌توجه اعتراضات سیاسی در ۶ ماه گذشته نشان‌دهنده نیمه پر تحلیلی لیوان دموکراسی جهانی است. این اعتراضات از یک سو بازتابی از اخبار بد است؛ انگیزه‌های اقتدارگرایانه ادامه‌دار رهبران منتخب برای تحت فشار قرار دادن زندگی دموکراتیک در سیستم‌هایی که اداره آنها را برعهده دارند. با این حال، از سوی دیگر، این اعتراضات مظهر تعهد ادامه‌دار بسیاری از شهروندان برای حفظ و تقویت نرم‌های دموکراتیک و درخواست مسئولیت‌پذیری دولت است، حتی اگر خطر شخصی قابل توجهی برای آنها وجود داشته باشد. به‌گزارش اندیشکده کارنگی تاکنون، این اعتراضات باعث عقب‌نشینی از اقدامات غیرلیبرال نشده‌اند با این حال در صربستان استعفای نخست‌وزیر را رقم زدند که می‌تواند منجر به برگزاری انتخابات زودهنگام شود. اما این اعتراضات نشان دادند که اقتدارگرایان منتخب، هرچند زیرک و مصمم برای اجرای تصمیمات خود راه آسانی ندارند.

عصر تاریخی اعتراض

دو سال پیش نتایج یک تحقیق که اعتراضات مردمی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ را بررسی کرده بود نشان داد که تعداد جنبش‌های اعتراضی در سراسر جهان در کمتر از ۱۵ سال، سه برابر شده است. هر منطقه از جهان با افزایش اعتراضات که برخی از آنها در تاریخ بی‌سابقه بوده‌اند، مواجه شده که شامل اعتراضات کشاورزان هندی در سال ۲۰۲۰، اعتراضات مردمی علیه ژائیر بولسونارو در سال ۲۰۱۹ در برزیل و اعتراضات «جان سیاه‌پوستان مهم است» در سال ۲۰۱۳ بوده است.

گروهی از پژوهشگران اندیشکده آلمانی Friedrich-Ebert-Stiftung یا FES و «ابتکار برای گفت‌وگوی سیاسی» سازمانی مردم‌نهاد در دانشگاه کلمبیا این تحقیق را با تیتر «جهان اعتراض می‌کند: تحقیقی درباره مسائل اعتراضی در قرن ۲۱» منتشر کرد. آنها با بررسی دقیق بیش از ۹۰۰ جنبش اعتراضی در ۱۰۱ کشور و منطقه به این نتیجه رسیدند که ما در دورانی از تاریخ مانند سال‌های ۱۸۴۸، ۱۹۱۷ یا ۱۹۶۸ زندگی می‌کنیم؛ زمانی که عده بسیاری از مردم علیه وضع موجود شورش کردند و خواستار تغییر شدند.

اما دلیل این خیزش‌ها چیست؟ نویسندگان این پژوهش مشکل بخصوصی را برجسته می‌کنند: شکست دموکراتیک. براساس این تحقیق اکثر رویدادهای اعتراضی (۵۴درصد) به دلیل شکست نظام سیاسی یا آنچه که نمایندگی می‌کنند، رخ داده. حدود ۲۸درصد از این اعتراضات خواستار «دموکراسی واقعی» اند. موضوع دیگر اعتراضات شامل نابرابری، فساد و عدم اقدام دولت‌ها در قبال تغییر اقلیم بوده است. اما محققان این پژوهش نیز معتقدند که قانون‌گذاران پاسخ متناسبی به این درخواست‌ها نداده‌اند.

سارا برک، کارشناس ارشد سیاست اقتصادی جهانی در اندیشکده FES و یکی از نویسندگان این پژوهش می‌گوید: «بسیاری از رهبران دولت‌ها و کسب‌وکارها گوش نمی‌دهند. اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات در سراسر جهان درخواست‌های معقولی را مطرح می‌کنند که قبلاً توسط اکثر دولت‌ها توافق شده است. مردم برای شغل خوب، زمین پاک برای نسل‌های آینده و اظهارنظر معنادار در تصمیماتی که کیفیت زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اعتراض می‌کنند.»

اعتراضات برای مردم مختلف معنای متفاوتی دارد. این تحقیق درست در همان هفته‌ای منتشر شد که واشنگتن‌پست تحقیقات گسترده و سه قسمتی خود درباره حملات ششم ژانویه به کنگره آمریکا را که تا حدی با نگرانی برخی از شرکت‌کنندگان آغاز شد و با تئوری‌های توطئه شدت پیدا کرد، ارائه داد.

در سال‌های اخیر در ایالات متحده اعتراضات بزرگی از «اشغال وال استریت» و «جان سیاه‌پوستان مهم است» تا جنبش «تی‌پارتی» و کمپین «دزدی را متوقف کنید» (کمپین ترامپ در اعتراض به نتایج انتخابات ۲۰۲۰) راه افتاده است. بررسی اعتراضات در داخل آمریکا و در سراسر جهان روند واضحی را ارائه می‌دهد. سال ۲۰۰۶ فقط ۷۳ مورد از جنبش‌های اعتراضی به ثبت رسیده‌اند اما در سال ۲۰۲۰، ۲۵۱ مورد؛ که حتی بیشتر از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ یا اعتراضات بهار عربی در سال ۲۰۱۱ است. اروپا و آسیای مرکزی بیشترین افزایش را در تعداد جنبش‌های اعتراضی داشته‌اند و تعداد اعتراضات در کشورهای ثروتمند بیشتر از کشورهای دیگر بوده است.

برک در توضیح اینکه «دموکراسی واقعی» چه معنایی دارد می‌گوید که هر کسی تعبیر خود را دارد: «دموکراسی برای یک نفر، دیکتاتوری برای فردی دیگر است.» طبق این گزارش تعداد اعتراضاتی که به خشونت کشیده شده‌اند کمی بیش از یک‌پنجم جنبش‌های مورد بررسی بوده‌اند و می‌توان گفت که اکثر آنها خشونت‌آمیز نبوده‌اند. اما بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ روند افزایشی خشونت در اعتراضات بیشتر شده است.

استدلال کلیدی پژوهش‌هایی از این دست نشان می‌دهند رهبران جهان افزایش اعتراضات را باید جدی‌تر بگیرند. حدوداً ۴۲درصد از اعتراضاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، موفقیت‌آمیز بوده‌اند که البته بسته به منطقه و نوع اعتراضات درصد متفاوتی دارد. مایکل برونینگ، مدیر اندیشکده FES در دفتر نیویورک می‌گوید: «ما باید درک کنیم که اعتراضات رفتار ممنوعه نیستند بلکه هسته اصلی دموکراسی به‌شمار می‌روند.»

سیاستمداران

درگیری در سوریه نمی‌خواهیم

وزیر خارجه ترکیه با بیان اینکه آنکارا خواهان توقف اقدامات تحریک‌آمیز اسرائیل در خاک سوریه است، تاکید کرد: «ما خواهان درگیری با هیچ دولتی در خاک سوریه نخواهیم بود.» هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه اعلام کرد: «باید به توافق آتش‌بس در غزه دست یافت و به اسرائیل اجازه ارتکاب کشتارهای جمعی را نداد.» فیدان با بیان اینکه باید کشتارهای صورت‌گرفته توسط اسرائیل در غزه متوقف شود، گفت: «ما خواهان این هستیم که ایالات متحده به تلاش‌هایش برای دستیابی به آتش‌بس دائم در غزه ادامه دهد.» وزیر خارجه ترکیه عنوان داشت: «باید حمایت آمریکا و اروپا از اسرائیل به‌منظور پایان جنگ در غزه متوقف شود. موضع ما در خصوص سوریه آشکار است و این موضع عبارت از تحقق ثبات در سوریه و توقف اقدامات تحریک‌آمیز و هر اقدامی است که امنیت سوریه را تهدید می‌کند.» وزیر خارجه ترکیه تصریح کرد: «عملیات اسرائیل در سوریه باعث تحریک و بی‌ثباتی می‌شود. باید به حریم هوایی سوریه احترام گذاشت.»

آمادگی کامل نظامی تا ۲۰۲۹

بازرس کل ارتش آلمان (بوندس‌وِر)، اعلام کرد که ارتش این کشور باید تا سال ۲۰۲۹ برای شرکت در یک درگیری احتمالی به‌طور کامل آماده باشد. «کارستن بروبر» بازرس کل ارتش آلمان (بوندس‌وِر) تصریح کرد که برای آمادگی کامل ارتش این کشور تا سال ۲۰۲۹ تعداد نیروها باید تا حدود ۲۰۰ هزار تن افزایش یابد. وی افزود که درحال حاضر یک ذخیره دائمی نیروی نظامی ۶۰ هزار نفری تشکیل شده است. بروبر گفت: «من انتظار دارم که از ۸۰۰ هزار پرسنل سابق ارتش که در طول سال‌های گذشته بازنشسته شده‌اند، ۱۰۰ هزار تن به عنوان نیروی ذخیره وارد ارتش شوند. بنابراین ارتش لازم دارد که یک شکاف ۱۰۰ هزار نفری را کامل کند و به تعداد مورد نظر برای آمادگی دفاعی برسد.» فریدریش مرتس که به زودی برای سمت صدراعظمی در آلمان انتخاب خواهد شد نیز پیشتر در همین ارتباط اعلام کرده بود که دولت جدید آلمان با توجه به الگوی سوئدی، خدمت سربازی را توسعه خواهد داد.

توافقنامه همکاری هسته‌ای

واشنگتن اعلام کرد ایالات متحده و عربستان سعودی یک توافق اولیه برای همکاری در مورد اهداف ریاض برای توسعه صنعت هسته‌ای غیرنظامی امضا خواهند کرد. «کریس رایت» وزیر انرژی آمریکا در جریان سفر خود به عربستان در جمع خبرنگاران گفت که ریاض و واشنگتن در مسیری برای دستیابی به یک توافق برای همکاری در زمینه توسعه برنامه هسته‌ای غیرنظامی عربستان هستند. او که روز گذشته با شاهزاده عبدالعزیز بن‌سلمان وزیر انرژی عربستان دیدار کرد، به توافق گسترده‌تری که دولت «جو بایدن» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به دنبال آن بود، اشاره‌ای نکرد. آن توافق شامل یک قرارداد هسته‌ای غیرنظامی و تضمین‌های امنیتی به این امید بود که به عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی منجر شود. رایت تصریح کرد: «برای مشارکت و همکاری آمریکا در زمینه هسته‌ای در اینجا، قطعاً یک توافق‌نامه «۱۲۳» وجود خواهد داشت. راه‌های زیادی برای شکل دادن به توافقی وجود دارد که هم اهداف سعودی و هم اهداف آمریکایی را محقق می‌کند.»